



**حضور سفیران حرم احمدی (ع) در کازرون**  
سرویس خبری علی گلپین: بعد از ظهر پنج شنبه از سوی دفتر امام جمعه تماس گرفتند و گفتند فردا صبح باید به استقبال سفیران احمدی آستان مقدس حضرت شاهچراغ (ع) در میدان سلمان فارسی برویم لذا صبح جمعه در میدان سلمان فارسی حضور پیدا کردیم و منتظر خود و سفیران احمدی (ع) شدیم.



پس از نیم ساعت با حضور عده‌ای از مسئولین و مردم، کاروان سفیران احمدی که شامل بیش از ۲۰ نفر از خادمین حرم حضرت احمدیان موسی شاهچراغ (ع) بود با قدم خود شهر کازرون را منور کردند. با هم پس از مراسم استقبال به گلزار سید محمد نوربخش رفته و علاوه بر گلباران قیور شهدا و عطر افشانی و قرائت فاتحه به آستان مقدس سید محمد نوربخش وارد شدیم. ابتدا حاج آقا شریفی پس از عرض خیر مقدم به این سفیران با هماهنگی سرپرست اداره اوقاف، در ضريح امامزاده سید محمد نوربخش را گشود و توسط این خادمین غبار رویی شد. در کنار این مراسم یک تن از سفیران احمدی طی گفتگویی با خبرنگار روزنامه طلوع عنوان داشت: با توجه به فرا رسیدن دهه کرامت از تاریخ ۱۶ شهریورماه لغایت ۲۵ شهریور کاروانی تحت عنوان سفیران احمدی (ع) راه اندازی شده که با اعزام جمعی از خادمین حرم مطهر حضرت شاهچراغ (ع) به نقاط مختلف استان فارس، پیام‌هایی را به مردم ابلاغ نمایند. همچنین ادیبی در بخش دیگری از گفتگویی خود عنوان داشت: از جمله برنامه‌های اجرایی در طول این سفر یک روزه به شهرستان‌ها گلباران قیور شهدا، غباررویی، عبادت از بیماران بیمارستان، دیدار با خانواده‌های معظم شهدا و اهدای بسته‌ها و هدایای فرهنگی است. پس از غبار رویی، مردم و مسئولین و کاروان، دسته جمعی به بیمارستانی ولی عصر (عج) کازرون رفته و در کلیه بخش‌های بیمارستان با حضور دکتر دادوی تک تک بیماران را ملاقات کردند و با اهدای گل و شیرینی و بسته‌های متبرک بیماران را خوشحال کردند. گزارش خبرنگار ما حاکیست در جریان این عبادت‌ها، مادرانی که همراه بیماران خود بودند اشک شوق از چشمانشان سرازیر می‌شد به طوری که مادر کودکی در بخش اطفال شخصا عنوان داشت یک روز پیش، از آقا شاهچراغ طلب نموده بودم که فرزندم بی‌پهوی پیدا کند تا به مرحش منصرف شوم و خوشبختانه این حضرت با اعزام سفیران خود در بیمارستان دعای من را اجابت نمود. گفتنی است در کنار بازدید یک روزه خادمین از خانواده شهید محمد پور که دو شهید تقدیم انقلاب اسلامی نموده‌است دیدار و بسته‌های فرهنگی به خانواده ایشان تقدیم شد.

## تنوع ارتباط با روزنامه طلوع پیامک روزنامه طلوع ۰۹۲۸۹۴۷۲۲۵۲

فکس دفتر شیراز: ۰۷۱۱-۲۳۴۴۷۷۱  
فکس دفتر کازرون: ۰۷۲۱-۲۲۲۹۲۴۶

ایمیل: [tolou2@yahoo.com](mailto:tolou2@yahoo.com)

یکشنبه ۱۰ شهریورماه ۱۳۹۲

همزمان با هفته دولت

## ساختمان سه دهیاری و یک بوستان روستایی افتتاح و کلنگ زنی شد

همزمان با هفته دولت از سه دهیاری و یک بوستان روستائی در بخش مرکزی شهرستان کازرون از توابع فارس مورد بهره برداری قرار گرفت. به گزارش ایرنا، فرماندار شهرستان کازرون در آیین افتتاح این طرح‌ها گفت: گفت سه ساختمان دهیاری در زمینی به مساحت ۳هزار مترمربع و با اعتبار یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال ساخته شده‌است. الیاس محمدی افزود: همزمان با افتتاح طرح‌های یادشده، بوستان روستایی احمد آباددرس نیز در زمینی به مساحت ۷۰۰ مترمربع و با اعتباری افزون بر ۳۰۰ میلیون ریال عملیات احداث آن آغاز شد.

### اهدای جوایز به ۳۰ دانش آموز در مراسم اختتامیه کلاسهای تابستانی اوقات فراغت

طی مراسم با شکوهی در محل سالن آمفی تاتر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اختتامیه کلاسهای تابستانی اوقات فراغت کانون فرهنگی کمیته‌امداد امام خمینی شهرستان کازرون برگزار گردید. به گزارش روابط عمومی، مراسم اختتامیه کلاسهای تابستانی اوقات فراغت کانون فرهنگی کمیته‌امداد امام خمینی شهرستان کازرون برگزار گردید و به ۳۰ نفر از دانش آموز فعال در کلاسهای اوقات فراغت هدایایی اهدا گردید. پرویز شفیعی مدیر کمیته‌امداد امام خمینی شهرستان کازرون گزارشی از فعالیت‌ها و فوق برنامه‌های دو ماهه کانون فرهنگی که جهت دانش آموزان تحت حمایت انجام گرفته بود ارائه نمود. در ادامه برنامه‌هایی از قبیل: اجرای ۲ سرود توسط دانش آموزان، بخش کلیپ فعالیت‌های کانون در تابستان ۹۲، قرائت سوره حمد و توحید به زبان انگلیسی با معنی آن، اجرای مسابقه اجرا شد. حاج آقا عباسی مسئول ستاد کات امداد شهرستان کازرون پیرامون اوقات فراغت و استفاده دانش آموزان از زحمات و فعالیت‌های واحد فرهنگی به نحو احسن و قدر شناسی آنها از برابری این نوع فعالیت‌ها سخنانی ایراد کرد. در پایان به ۳۰ نفر از دانش آموزانی که در فعالیت‌های کانون فرهنگی تلاش بیشتری کرده بودند، هدایایی اهدا گردید.

## زیر نظر: شورای نویسندگان روزنامه طلوع در کازرون

آدرس: کازرون - خیابان قدمگاه - تلفکس: ۰۷۲۱-۲۲۲۹۲۴۶

سال نوزدهم □ شماره ۱۳۶۲ □ صفحه ۹

### کامیون حامل کالای قاچاق کشف و ضبط شد

به گزارش روابط عمومی ناحیه کازرون، کامیون حامل کالای قاچاق توسط ناحیه مقاومت بسیج سپاه کازرون کشف و ضبط گردید. سرهنگ دوم پاسدار غلامرضا شرفی فرمانده ناحیه در تشریح این خبر گفت طی اخبار واصله کامیون حامل کالای قاچاق (نوشیدنی شانی) که از مسیر بوشهر به مقصد شیراز بارگیری شده بود و توسط خودروی زانتیا محافظت می‌شد توسط گشت‌های بسیج شهرستان کازرون کشف و ضبط گردید. وی افزود ارزش ریالی محموله معادل ۲۵۰ میلیون ریال است و دستگیر شدگان به همراه بار کشف شده با تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی شدند. فرمانده ناحیه کازرون با بیان اینکه بسیج در همه حال بیدار و هوشیار عمل می‌کند خاطر نشان شد در راستای منویات مقام معظم رهبری در شعار سال، یکی از راه‌های تحقق حماسه اقتصادی جلوگیری از قاچاق کالا است و بسیج در کنار سایر دستگاه‌های قضایی و امنیتی با اخلاک‌ران اقتصادی مبارزه خواهد کرد.

### پاسخ مدیریت آموزش و پرورش؛ توزیع دست ساخته‌های اهدایی بین مدارس

در پاسخ به سوال جناب آقای دبیری در ستون «مردم چه می‌گویند» مطرح شده در روزنامه یکشنبه ۳ شهریورماه ۹۲، شماره ۱۳۶۰، مطلب زیر به استحضار می‌رسد: دست ساخته‌های ایشان که به مدیریت آموزش و پرورش کازرون تحویل داده بودند، بین مدارس توزیع شده است.

## استان فارس قهرمان مسابقات کاراته قهرمانی بانوان کشور شد



اسامی قهرمانان شهرستان کازرون در مسابقات کاراته کشور: مدال آوران طلا: مهسار توفی (۲مدال طلا) - شبنم پناهی منش، ریحانه شجاعی (۲مدال طلا) - نادیا کریم پور - زینب قاسمی - شکوفه ترکمن - فاطمه دهقان - نسترن رضازاده - شیدا پره‌پور - زهرا اعتمادپور - فاطمه جوکار - زینب نوربخش - فروغ استواری - مریم دهقان - سمانه پروین - هانیبه خسروی - فاطمه انصاری - سیده راضیه عابدی - زهرا خدیو مدال آوران نقره: مهسا نظری (۲مدال) - شیدا بهره‌بر - زهرا اسکندری - فاطمه شیبخی (۲مدال) - آریانا نعلماچی - مانده فریدونی - غزل زمانی - معصومه فلاحی - نرجس رضازاده - زهرا سیاوشی - بهاره جوکار - آمنه اسکندری - زهرا جمالی - محدثه دادوی - شهبان پره‌پور - نیا - زینب دشتی - حدیث خیراتی - سحر منصوری - شکوفه ترکمن - فاطمه طاهری مدال آوران برنز: نگین مظفری - نیلوفر پورمند - زهرا اسکندری - مینا امینی - کورنر علشیر - شادی ناهیدی - نگین یزدانی - زهرا ریسی - محدثه دهقان - ندا زیبایی پور - زهرا گل - شبنم پناهی منش (۲مدال) - مریم ریسی - هانیبه واقد - آریانا آذری - سیده‌ام‌البین حسینی - کیمیا موسوی (۲مدال) - پگاه سیبچه - باسمن فرهادی - فروغ عوض زاده - مهشید آذری - شیدا بهره‌بر - زهرا اعتمادپور - محدثه دهقان - زینب قاسمی - محبوه فیروزمنند - لیلا ابانصری - مهدیه یزدانی

- فاطمه عباسی - ندا مظفری - لیلا حسینی - زهرا پندرام - سمیه سیفی - فرشته مهیار. مسئولین برگزاری این دوره از مسابقات به عهده خانم استواری نایب رییس هانکوریو کاراته استان و دبیر هانکوریو کاراته کشور و همچنین کمیته مسابقات هیأت کاراته شهرستان کازرون بود. مریان تیم کاراته شهرستان کازرون، فروغ استواری - فهیمه افشار شفیعی - رؤیادهقان - سیده خدیجه حسینی - سکینه آذرشیری - مهناز باغستانی - افسانه نوزدی - کبری کیماری

## شهر دار و ارتقای جایگاه کازرون

کته تهیه کننده: منوچهر حبیبی

انتخاب شد بنا به اعتمادی که مردم به آنان کرده‌اند، با هم همفکری کرده و شهردار مناسب و لایقی را انتخاب می‌کنند.

تاکنون دو جلسه بنا به دعوت شورای منتخب داشته‌ام و آتجا نیز اعلام نمودم بررسی کنید و گزینه‌های دیگری را نیز بیورید و طرح و برنامه‌هایشان و سوابقشان را بررسی کنید تا فردی قوی را برای شهرداری انتخاب کنید. ولی متأسفانه در فرهنگ ما این طور نهاده‌اند شده که زمانیکه بحث انتخاب پیش می‌آید، رازینی‌ها شروع می‌شود. خوب اگر قرار است فردی یا افرادی را انتخاب کنند و این انتخاب حق این افراد است می‌بایست به نظر آنها احترام گذاشت. لذا به دوستان توصیه کردم که تحت هیچ عنوان بحث ابقا و یا هر اقدامی برای بنده را به اعضای محترم شورا پیشنهاد ندهند. همه شهروندان هم باید به نظر شورای محترم احترام بگذارند و اجازه بدهند خودشان با فراغ بال تصمیم‌گیری نمایند. لذا تا امروز نه شورای علشیر و این اجماع رسیده است و نه به پیشنهادی که من داده‌ام و نه من این موضوع فکر کرده‌ام. اگر اکثریت اعضا پیشنهاد دادند من هم بررسی می‌کنم و جواب خواهم داد.

پس جوانبتان تا الان مشخص نیست؟

خیر، بستگی به شرایط دارد، باید پیشنهادها را بررسی کرد. **باخبر شدیم که اعضای شورای شهرهای بزرگ دیگری نیز از شما دعوت به همکاری کرده‌اند؟ آیا ادامه کار در کازرون را به دیگری می‌سپارید؟**

در حال بررسی پیشنهادها هستیم، تا ۱۲ شهریور ماه وقت فکر کردن دارم.

**آگهی شهردار بعدی کازرون نشود، آیا حاضرید با شورای شهر و شهردار بعدی همکاری کنید و تجربیاتتان را در اختیار آنان قرار دهید؟ (مخصوصاً در مبارزه با سوء استفاده در بعضی موارد که تجربه زیادی دارد)**

من به سه دلیل با تمام توان با شهردار آینده همکاری خواهم نمود. اول: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.

سوم: وظیفه انسانی و اخلاقی خودم می‌دانم که با شهردار بعدی نهایت همکاری را داشته باشم زیرا باید محبتی که به من می‌کند و بار سنگین مسئولیت را از دوش من برمی‌دارد را جبران کنم.

چهارم: چون به آبادانی زادگاهم بسیار علاقمندم و خودم را بدهکار و مدیون شهری می‌دانم که در آن به دنیا آمده‌ام، در آن درس خوانده‌ام و...

دوم: شهروندان را دوست دارم، همشهریانم را مردمی بسیار باعزت و با فرهنگ دیده‌ام.</